



درس آیات الاحکام استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۳۹۲/۷/۸

موضوع کلی: آیات الاحکام (خمس)

مصادف: ۲۴ ذی القعدة ۱۴۳۴

موضوع جزئی: شأن نزول آیه اول انفال

جلسه: ۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

جلسه گذشته چند مطلب پیرامون آیات الاحکام بیان کردیم، یکی تعریف آیات الاحکام بود، دیگری اهمیت آیات الاحکام بود و سوم اینکه آیا آیات الاحکام یک روش تفسیری است یا روش تفسیری محسوب نمی شود، یک مطلب باقی مانده بود که راجع به منابع تفسیری آیات الاحکام بود.

منابع تفسیر آیات الاحکام:

در بین مذاهب مختلف کتب تفسیری متعددی پیرامون آیات الاحکام نوشته شده، به چند منبع شیعی و چند منبع اهل سنت در این رابطه اشاره می کنیم.

منابع شیعی:

در منابع شیعی شاید مهمترین منابع، فقه القرآن راوندی، کنز العرفان فاضل مقداد، زبدة البیان محقق اردبیلی، مسالک الإیفهام مرحوم کاظمی و قلائد الدرر مرحوم جزائری می باشد.

منابع اهل سنت:

بین اهل سنت هم کتابهایی وجود دارد که عمدتاً به عنوان احکام القرآن یا الجامع الأحکام القرآن نوشته شده است، یعنی نام این کتابها تقریباً شبیه هم است، که از جمله احکام القرآن محمد ابن ادریس شافعی، احکام القرآن جصاص، احکام القرآن طبری، احکام القرآن ابن عربی، احکام القرآن بیهقی، و الجامع الاحکام القرآن قرطبی، تقریباً منابع مهم و اصلی در بین کتب تفسیری در باره آیات الاحکام می باشد.

بعد از فراغ از چهار امری که بعنوان مقدمه ذکر شد، آنچه که در این جلسات موضوع بحث می باشد آیات الخمس و به تبع آن آیات انفال و فیء است.

آیات خمس:

عمده ترین آیات که درباره خمس است دو آیه می باشد که در سوره انفال وارد شده است یکی آیه ۴۱ سوره انفال و دیگری آیه اول سوره انفال می باشد، «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» یعنی؛ هر نوع غنیمتی که شما بدست می آورید بدانید که خمس آن برای خدا و رسول و ذی القربی و یتیمان و مسکینان و درماندگان از راه ماندگان از

ذی القربی است اگر به خدا و آنچه که بر بنده خودش در روز جدائی حق از باطل یعنی روز درگیری دو گروه با ایمان و بی ایمان نازل کرده ایم ایمان آورده اید و خداوند به همه چیز تواناست. و دیگری، «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرُّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» خطاب به پیامبر می فرماید؛ از تو در باره انفال سؤال می کنند، بگو انفال مخصوص خدا و پیامبر است، پس تقوا پیشه کنید و از مخالفت با فرمان خدا بپرهیزید و خصومت و نزاع های که بین شماست تبدیل به آشتی کنید و چنانچه ایمان دارید خدا و رسولش را اطاعت کنید.

شأن نزول آیات:

از آنجائی که این دو آیه در سوره انفال نازل شده و تا حدودی باهم مرتبط هستند یعنی حداقل حکم آنها و تاحدودی موضوعشان نزدیک است، حتی بعضی آیه ۴۱ سوره انفال را ناسخ آیه اول می دانند که در محل خودش بحث خواهیم کرد که آیا این آیه ناسخ است یا نه؟ مختصری درباره شأن نزول این آیات بحث می کنیم.

لذا اگر اجمالاً یک اطلاعات کلی در باره سوره انفال و شأن نزول این آیات مطرح شود مناسب می باشد.

در این سوره مطالب مختلفی مطرح شده از جمله انفال و خمس و داستان جنگ بدر که اولین جنگ بین مسلمین و کفار است، به همین مناسبت به بعضی از احکام جهاد و وظیفه مسلمین در برابر دشمنان اشاره شده و همینطور داستان هجرت و لیلۃ المبیت وارد شده و بعضی از امور دیگر.

این سوره بعنوان سوره مدنی شهرت پیدا کرده است، ابن عباس، قتاده و عثمان می گویند این سوره مدنی است، البته از ابن عباس حکایت شده که از این سوره به جز هفت آیه بقیه در مدینه نازل شده و اولین سوره ای هست که در مدینه نازل شده و هفت آیه ای که در مکه نازل شده از آیه سی ام تا سی و هفتم می باشد، شأن نزول که برای این سوره نقل شده (البته اینکه گفته می شود شأن نزول، عمدتاً برای آیه اول می باشد و اینطور نیست که همه آیات باهم نازل شده باشند، بین آیه اول و آیه ۴۱ از آن جائی که احتمال نسخ وجود دارد بعید است که در یک واقعه و یک روز نازل شده باشد)

آیه ابتدائی این سوره شأن نزولی دارد که حتی بعضاً این را به عنوان شأن نزول این سوره نقل می کنند، البته تعبیر به شأن نزول سوره شاید تعبیر درستی نباشد چون موضوعات مختلفی در این سوره بیان شده و نمی توان یک شأن نزول را برای همه آیات با موضوعات مختلف یک جا نقل کنیم، عمدتاً این شأن نزول در مورد آیه اول می باشد که معروف به آیه انفال می باشد، به غیر از یک مورد که کسی نقل کرده این آیه در غزوه بنی قینقاع نازل شده تقریباً گفته اند این آیه در روز جنگ بدر نازل شده و بین روز جنگ بدر و غزوه بنی قینقاع تقریباً یک ماه فاصله بوده که جنگ بدر در ۱۹ و یا ۱۷ ماه رمضان است. اما غزوه بنی قینقاع در ماه شوال بوده بالاخره یک فاصله ای بین این دو تا وجود دارد، غیر از یک مورد که گفته شد عمدتاً همه میگویند که در جنگ بدر نازل شده است اما یک وجه مشترکی در هر دو گزارش وجود دارد و آن اینکه، یک خصومت و اختلافی درمسأله غنائم پیش آمده بود که این آیه نازل شد.

البته یک قول بسیار ضعیفی وجود دارد و آن اینکه غنائم قبلاً حرام بوده و مسلمانان توجه به غنائم پیدا کردند و از پیامبر تقاضا کردند که غنائم بین آنها تقسیم شود آنوقت این آیه نازل شد که عرض کردیم این احتمال بعیدی می باشد و سابقه آنچه که بین ادیان ابراهیمی گزارش شده و در بین عرف و عقلاء رواج داشته این است که در جنگها غنائم را جمعیت غالب اخذ می کردند و

تقسیم می کردند لذا این دو احتمال کنار گذاشته می شود (مورد حرمت غنیمت و موردی که در باره غزوه بنی قینقاع بود) اما بقیه گزارشها حاکی از این است که این آیه در روز بدر نازل شده است، آنوقت آنهایی هم که در شأن نزول این آیه روایت کردند چند نفر ادعا کردند که این آیه در رابطه با ما نازل شده، و به نظر ما هیچ منافاتی بین اینها وجود ندارد، که توضیح این گزارشها را عرض می کنیم.

۱. سعد ابن ابی وقاص ادعا می کند این آیه در باره من نازل شده و می گوید وقتی عاص ابن امیه که برادرم را کشته بود به دست من در جنگ بدر کشته شد یک شمشیری داشت که ذو الکثیف از آن نام برده اند من این را گرفتم و خدمت پیامبر بردم و از پیامبر خواستم که این را به من بدهید چون شمشیر کسی بود که برادرم را کشته بود و من هم برای آن شمشیر زحمت کشیده ام، پیامبر (ص) فرمودند؛ این نه برای من است نه برای تو، بلکه برای مسلمین می باشد، بعد می گوید من ناراحت شدم و گفتم بگذار این شمشیر دست کسی بیافتد که این زحمت و رنج را نکشیده، بعد از این اظهارات من خداوند این آیه را نازل کرد و پیامبر (ص) غنائم را قسمت کرد و در هنگام تقسیم غنائم آن شمشیر به من رسید.

۲. شبیه همین مطلب را مالک ابن ربیعہ برای خودش نقل می کند، و می گوید این آیه برای من نازل شده و ادعا می کند که من کسی را کشتم یک شمشیر خوبی داشت به نام مرزبان، من این شمشیر را برداشتم و خدمت پیامبر رسیدم و درخواست کردم مال من باشد، پیامبر فرمودند؛ که این نه برای من است نه برای شما بلکه مال مسلمانان می باشد، که این آیه نازل شد.

حق در مسأله:

چیزی که اجمالاً می توانیم به عنوان شأن نزول این آیات بگوئیم و منافاتی هم با این داستانهای که گفته شد ندارد مشهور هم است این است که، در روز جنگ بدر که اولین جنگی بود که مسلمین در مدینه دیده بودند، پیامبر (ص) برای تشویق سربازان و مجاهدان برای هر کاری یک اجر و پاداشی معین کردند مثلاً اگر کسی یکی از مشرکین را اسیر کند فلان مقدار به او پاداش می دهم، یا اگر کسی به فلان منطقه حمله کند پاداشش فلان چیز است، یا اگر کسی از مشرکین را بکشد پاداش او فلان چیز است و برای هر کاری پیامبر یک پاداش و جایزه ای معین کرده بودند، این کار انگیزه مسلمین را برای نبرد و جدیت و تلاش مضاعف کرد (معلوم می شود این یک راه و روش است در امور خیر مثلاً در آخرت خداوند وعده هایی برای مؤمنین و صابران داده اند اینجا هم در امور دنیایی یک امر خیری است) این تشویق سبب شد آنهایی که جوانتر بودند شتاب کنند و بروند و پیران و سالخوردگان و آنهایی که توانائی جسمیشان کمتر بود نزد پیامبر جا بمانند، آن جنگ به نفع مسلمین تمام شد بعد از غلبه مسلمین در مورد غنائم اختلاف شد، جوانها خدمت پیامبر رسیدند و گفتند طبق وعده ای که شما دادید آن چیزی که از غنیمت باقی مانده مربوط به ماست و به ما تعلق دارد چون اینها که به جنگ نیامده اند و پیش شما بودند و حمله نکرده اند، آنها هم در پاسخ گفتند ما از باب ناتوانی نبوده که وارد جنگ نشده ایم بلکه اینجا بودیم و از پیامبر حفاظت کردیم و الا ما هم می توانستیم با شما در جنگ شرکت کنیم، به هر حال این بهانه ای بود که می آوردند و این درگیری شدید شد حتی در حضور پیامبر به مشاجره لفظی کشیده شد بعد این آیه نازل شد، پس دانستن شأن نزول مهم هست اگر چه مورد یک آیه و شأن نزولش باعث اختصاص نخواهد شد اما فضایی که آیه در آن نازل شده دانستنش مهم است، اصلاً اختلاف بر سر غنیمت در یک جنگی باعث نزول این آیه شده، مسأله اختلاف بر سر غنیمت یک ریشه تاریخی داشت وضعیت غنائم پیش از اسلام وضعیتی ناگواری داشت و اختلافی که اینها بر

سر غنیمت پیدا کردند اولین جنگ مسلمین بوده است و قبل از این جنگ، مسلمین جنگ نداشتند و آن ریشه های فرهنگی که از آباء و اجدادشان مانده بود احیاء شد.

چند نکته مهم در رابطه با غنائم در جنگ ها بود، یکی اینکه هدف جنگ اخذ غنیمت بود و جنگ راه می انداختند برای اینکه استیلاء بر نفوس و اموال پیدا کنند، هم کنیز و عبد می گرفتند و هم اموالی بدست می آوردند و ثروت اندوزی می کردند. دوم؛ اینکه عمدتاً منافع برای رئیس قوم و پادشاه بود و در غنائم منافع عموم مردم لحاظ نمی شد یعنی همه را باید تقدیم او می کردند و همه غنائم مال خودش بود بهترین کنیزها و جواهرات و اموال متعلق به پادشاه می شد حالا اگر چیزی را نمی خواست آن را به دیگران می داد و قسمت عمده این غنائم بین اغنیاء و ثروت مندان تقسیم می شد نه دیگران.

آیه ۷ سوره حشر به این وضعیت بد غنائم اشاره می کند در این آیه آمده؛ «**مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ**»^۱ به دنبال این، یک جمله ای ذکر شده که وضع فاسد غنیمتها را قبل از اسلام تشریح می کند «**كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ**»^۲ محصل این آیه این است که آنچه را که خداوند از اهل این آبادی به رسولش بازگرداند از آن خداوند و رسول، ذی القربى، یتیمیان، مستمندان و در راه ماندگان است، تا این اموال در میان ثروت مندان شما دست به دست نشود، و اینکه کلمه **دُولَةً** به فتح خوانده شود یا به ضم، فرق گذاشته اند اگر به فتح خوانده شود یعنی غلبه و ظفر اما اگر به ضم خوانده شود به معنای ما یتداوله الناس بینهم من الاموال کالعاریه و غیرها، **دُولَةً** یعنی آنچه که بین مردم دست به دست می شود، غنیمت ها هم در بین ثروت مندان به این صورت دست به دست می شد و هدف این بود که این فیء و غنیمت بین ثروت مندان دست به دست نشود، در چنین وضعیتی این آیات نازل شده یعنی این فرهنگ و ریشه که غنیمت مال رئیس قوم بود اگر هم قرار بود تقسیم شود بین اغنیاء و ثروت مندان تقسیم می شد، این در فضای تازه مسلمان های مدینه سر باز می کند یعنی دوباره آن اختلافات بوجود می آمد به علاوه اینکه پیامبر در اینجا فرموده بود برای هر کاری من پاداشی می دهم طبیعتاً این اختلافات باعث شد که این آیات نازل شود.

نتیجه:

پس این گزارش و اختلافات با آن چیزی که سعد و مالک گفته هیچ منافاتی ندارد بالاخره یک مشاجره کلی آنجا بین افراد واقع شده، یک مصداق آن مشاجره، مشاجره سعد بوده و مصداق دیگرش جریانی است که بر سر مالک بوجود آمده یعنی به صورت کلی بر سر غنیمت اختلاف پیش آمده و طبیعتاً اگر بر سر موضوعی اختلافی بین گروهی پیش آید این یعنی اینکه این اختلاف به صورت جزئی و موردی هم بین تک تک افراد ممکن است پیش بیاید، همه اینها در یک جهت که بر سر غنیمت بوده یک قدر مشترکی دارند، لذا بین این گزارشها در مورد شأن نزول این آیات می شود جمع کرد.

بررسی دو قول دیگر درباره شأن نزول:

فقط دو قول است که به نظر می رسد تمام نیست. یکی اینکه غنائم قبل از اسلام حرام بود که این آیه نازل شد و حرمتش را برداشت، درواقع این آیه برای حلیت و جواز استفاده از غنائم نازل شد، همانطور که گفتیم این احتمال بعید است و هیچ گزارش تاریخی از حرمت غنیمت نبوده.

۱. حشر / ۷ .

۲. همان .

دیگر اینکه این آیه مربوط به یکی از سرایا است، که علی ابن صالح بن حی میگوید اختلاف در مورد غنیمتی پیش آمده بود که از یکی از سرایا آورده بودند. آنها پرسیدند این غنائم به چه کسی میرسد که این آیه نازل شد، این هم قابل اثبات نیست، به علاوه در خود آیه قرائنی وجود دارد تقویت می کند که این مسأله مربوط به جنگ بدر و اختلافی که در آن پیش آمده می باشد، که آن هم «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقِيِّ الْجَمْعَانِ» را عمدتاً ناظر به روز بدر می دانند، پس شأن نزول آیه معلوم شد. توضیحی که در رابطه با این آیه داده شد برای این بود که تمام سخن عامه مبنی بر اینکه خمس فقط مربوط به غنیمت است، یعنی چیزی که مربوط به حرب است ما غنمتم فی الحرب بدست می آید، این شأن نزول آیه است، چون اهل سنت خمس را قبول دارند (بعداً در اصل وجوب خمس خواهد آمد که اصل خمس واجب است بالکتاب و السنة و الاجماع، بلکه از ضروریات دین است فی الجملة) صرف نظر از اختلافی که بین عامه و خاصه در مصارف و مواردش وجود دارد، اختلافی است که به چه چیزهایی خمس تعلق می گیرد و مصارفش چیست، صرف نظر از این مطلب، در اصل خمس و قدر متیقنش اینکه در غنیمت حاصل از جنگ خمس وجود دارد بحثی نیست.

بمٹ مجلسه آئنده:

این اجمالی از داستانی که منجر به نزول آیه یا آیات خمس شد، و در مورد این آیات مباحث زیادی مطرح است از جمله اینکه به چه نحو از این آیات وجوب خمس استفاده می شود یا موارد و مصارف خمس چه چیزهایی هستند و چگونگی تقسیم خمس همینطور ملکیت خدا و رسول و ذی القربی به چه معناست چون لام در **لِلَّهِ** و **لِلرَّسُولِ** ظهور در ملکیت دارد، آیا اینها ملک خدا و رسول است؟ آیا معنا دارد اینها را ملک خدا و رسول بدانیم؟ اگر ملک خدا و رسول نیستند پس متعلق به چه کسی هستند، اینها بحث هایی است که در آینده به مرور در باره این آیات مطرح خواهیم کرد انشاءالله.

«والحمد لله رب العالمین»